



# افزایش نماز در دوران بیماری و نوجوانی

دکتر علی قائمی

فعالیت‌های جنبی

به همراه اجرای برنامه‌های آموزشی نماز، برنامه تشویق نمازخوانها را هم در مدرسه داشتیم که در کلاس، در سرصف و در موقعیتی که پدید می‌آمد مطرح می‌شد و عمل نماز خوانی را در مدرسه و در سرصف مورد تقدیر قرار می‌دادیم. حضور در برنامه نماز عملی مهم به شمار می‌آمد و از این مسأله چنان با

در شماره قبل، ضمن طرح دیگر عوامل مؤثر در القای نماز، نگارنده به بیان گوشه‌هایی از تجربیات عملی خود در زمینه آموزش نماز پرداخت. اینک ادامه بحث از نظر گرامی‌تان می‌گذرد.

## القاءات لازم

عظمت یاد می شد که بچه ها اصرار داشتند خود را در صف نمازخوانان حاضر کنند.

در روزهای آفتابی، نماز در وسط حیاط مدرسه و در معرض دید دیگران برپا می شد. بچه ها خود رغبتی داشتند که در برنامه نماز شرکت کنند. هیچ گونه جبر و تهدیدی برای نماز وجود نداشت و این عدم اصرار، خود عامل جلب کننده ای بود. البته در مدرسه و کلاس، نمازخوانها بیشتر مورد عنایت قرار می گرفتند و این خود عامل دیگری برای جلب و جذب به حساب می آمد؛ حتی در مواردی تشویقها را به اتکای نماز قرار می دادیم و از تنبیهها بدان خاطر صرف نظر می کردیم. مثلاً می گفتیم: "چون تو شاگردی نمازخوان هستی از گناه تو در گذشتم. چون کودک نمازخوانی هستی، تو را بیشتر دوست می دارم. چون نمازخوان هستی، به تو احترام می گذارم. چون نمازخوان هستی و دروغ نمی گویی حرف تو را باور دارم و ..."

در مواردی در مدرسه به کودک سلام می کردیم و می گفتیم: "سلام بر تو ای احمد آقا، پسر خوب و نمازخوان. احوال تو پسر نمازخوان چطور است؟ مرا در سر نماز دعا می کنی یا نه؟ من در نماز، تو و همه بچه های نمازخوان را دعا می کنم و ..."

کلاً در حضور این و آن به نماز و نمازخوان تکیه می شد و سعی داشتیم نمازخوانی را همردیف پاکي، تقوا، راستگویی، امانتداری، پرهیز از کارهای زشت و ناپسند به شمار آوریم و نمازخوانان را واداریم که به برکت نمازخوانی ترک دروغ، تنبلی و بد اخلاقی گویند و ...

از مسائل مهم در آموزش و اقامه نماز، همراه کردن آن با القاءات سازنده و جهت دهنده است. این القاءات در دو بعد و دو جنبه مورد عنایت قرار می گیرند:

۱- در جنبه اثباتی: به همراه نماز دائماً به کودک القاء شود:

• چون بچه نمازخوانی هستی، خدا تو را بیشتر دوست دارد.

• من که پدر یا مادر تو هستم تو را به خاطر نماز خیلی بیشتر از وقتی که نماز نمی خواندی دوست می دارم.

• پسر نمازخوان است و خدا نمازخوان را به بهشت می برد.

• خدا از آدم نمازخوان راضی است، من هم از تو راضی هستم.

• حتی اشکالی ندارد که در مواردی در حضور مهمانان از پسر یا دختر خود تعریف کنیم که: "پسر احمد، بحمدالله بزرگ شده و نماز می خواند. دخترم فاطمه بزرگ و فهمیده شده است، به همین علت نماز می خواند. او می داند که نماز خواندن نوعی حرف زدن با خدا و نزدیک شدن به خداوند است. او با خدا حرف می زند، با خدا دوست شده است و ..."

در همه حال مفهوم نماز و نمازخوانی را باید با لغات و کلماتی از قبیل بزرگ بودن، فهمیده بودن، رضای خدا، بهشت و جاودانگی، نعمت و رحمت، دوستی و علاقه و ... همراه کرد.

۲- جنبه نفی: در القاءات مربوط به نفی مصداق های گوناگون: **إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ** را به او تفهیم می کنیم. مثلاً

خداوند و یا قرب او را احساس کند، جهان را محضر خدا بداند و همه‌گاه به یاد او و با احساس حضور او باشد.

### راهنمای ما در اجرای برنامه نماز

راهنمای ما در اجرای برنامه نماز در دوران کودکی و نوجوانی چند اصل است که در روان‌شناسی تربیتی از آن بحث شده، مورد عنایت صاحب‌نظران است.

۱- اصل پیشدستی: معنی پیشدستی عبارت از اقدام قبل از زمان مورد نظر است. ما در امر آفرینش پیشدستی را به صراحت و عیان می‌بینیم. به عنوان مثال قبل از ولادت کودک پستان مادر را پر از شیر کرده است و این یک پیشدستی است؛ بدین معنی که پس از ولادت غذای او آماده باشد.

نمونه دیگر بذری است که خداوند شاخ و برگ و گل و میوه را در نهاد آن قرار داده است. وقتی که بذر از خاک سر بر می‌آورد، آن اعضاء از این بذر پدید می‌آید. طفل در دوران جنینی دست و پا و دیگر اعضاء را پیدا می‌کند تا پس از ورود به این جهان آنها را به کار گیرد و این یک پیشدستی است.

راهنمای ما در تربیت از یک سو طبیعت و آفرینش است و بر این اساس پیشدستی در تربیت باید مورد نظر باشد؛ یعنی قبل از اینکه کودک به بلوغ و دوران وجوب نماز برسد باید جنبه اجرا و عادت بدان را دریابد.

۲- اصل پایه‌گذاری و تمرین: در این اصل مقصد ما این است که زمینه و شرایط به گونه‌ای فراهم آیند که نمازخوانی به صورت امری پایه‌دار در کودکان درآید و آنان تمرینهای لازم را

متذکر می‌شویم که:

- تو آدم نمازخوانی هستی، دروغ گفتن از تو بعید است.

- از تو که آدم نمازخوانی هستی باور ندارم که پدر یا مادر را اذیت کنی.

- آدم نمازخوان که تنبلی نمی‌شود، بی‌کاره و تن‌پرور نمی‌شود.

- آدم نمازخوان که تقلب نمی‌کند، ادای کسی را در نمی‌آورد، دزدی نمی‌کند.

- آدم نمازخوان که حرف بد نمی‌زند، کار بد نمی‌کند، مسخرگی ندارد.

این القآت باید به صورت مکرر و مداوم و برای موارد خاص بیشتر مورد اتکا باشد.

۳- در اثر بخشی القاء: برای اینکه القآت مؤثرتر و نافذتر باشد، در مراحل بعدی حیات می‌توان زمزمه‌ها و تذکراتی داشت که اغلب آنها:

- پس از آموزش ظاهر است، یعنی اول اسکلت کار را می‌آموزیم و بعد جنبه‌های دیگر را.

- پس از تمرینها و ایجاد عادات لازم برای امری چون نماز است.

- با رعایت اصل تدریج، مراقبت و مداومت است.

البته ذکر فضایل نماز، یادآوری نقش آن در سازندگیها و رشد جنبه‌های اخلاقی و انسانی بر اثر آن، خود در این راه مؤثر است و والدین و مربیان این مسأله را همه‌گاه باید متذکر شوند.

در سنین نوجوانی بتدریج می‌توان مسأله قرب خدا را برای او مطرح کرد، مخصوصاً از این بابت که در این مراحل احساس مذهبی در نوجوانان بیدارتر می‌شود. او می‌تواند در شأن و شرایطی باشد که حضور خود را در پیشگاه

برای انجام این فریضه انجام داده، آمادگی کافی یافته باشند.

در رعایت این اصل، اصول دیگری هم مطرح و مورد نظرند که هر کدام در روان‌شناسی روز برای خود جای پای دارند و با شرایط رشد و فطرت هماهنگند مثل:

- اصل تلقین‌پذیری که در دوران خردسالی در کودک فوق العاده شدید است و باید از آن استفاده به عمل آید.

- اصل انعطاف‌پذیری که بر اساس آن کودک را به چوب تر تشبیه کرده‌اند که قابل خم و راست کردن است.

- اصل تأثیر تعلم در خردسالی که آن را چون نقش در سنگ خوانده‌اند.

- اصل نظم و سازماندهی که در دوران کودکی فوق العاده مورد علاقه طفل است.

- اصل تقلید که در همه کودکان به صورتی طبیعی و عادی وجود دارد.

- اصل همانندسازی که بر مبنای آن کودک سعی دارد خود را همانند الگوی مورد نظر سازد.

- اصل تشکل ذهن در کودکی که روان‌شناسان، کودکی را دوران تشکلی ذهن می‌دانند و دوران رنگ‌گیری یافته‌ها.

- اصل تشکلی شخصیت که مطابق این اصل جنبه‌های ظاهر و باطن در آمیخته، سازمان متحرکی را از کودک به وجود می‌آورند.

- اصل تشکلی اخلاق مبنی بر این که روان‌شناسان تشکلی ۷۰ درصد اخلاق را در همین سنین تا ۶ سالگی می‌دانند.

۳- اصل فریضه‌سازی: و آن به این معنی است که در اثر مداومت در اجرای برنامه‌ای کاری کنیم که کودک فعالیت عبادی خود را به



صورت امری واجب و دائمی درآورد و همیشه خود را به رعایت آن ملزم بدانند. فریضه‌سازی خود به دو صورت است:

الف - به صورت تحمیل، اجبار و اکراه که در آن طفل را به عملی، اگر چه خواستار آن نباشد و ادار می‌کنیم. البته باید بگوییم این اقدام درباره طفل مؤثر است، ولی در موارد بسیار اثر آن نامداوم است و هرگاه که جبر و تحمیل از او برداشته شود ممکن است به وضع سابق برگردد.

ب - به صورت دوستانه و رفیق و مدارا و صحبت و انس، همراه با درک و فهم نسبی در



جریان رشد برای افراد رخ می دهند هر کدام به مثابه فرصتی گرانبها در تربیت نسلند، از جمله: - بیداری فطرت که مخصوصاً تا ۴ سالگی به صورت عینی در حیات کودک وجود دارد و در دوره نوجوانی به مرحله احیای مجدد می رسد. این نکته را متذکر شویم که فطرت در سه مرحله عمر جداً بیدار است: در سه سال اول عمر، در مرحله نوجوانی و در لحظه مرگ و جان دادن. - بیداری وجدان که از حدود ۸ سالگی در کودک بیدار می شود و در نوجوانی به اوج خویش می رسد. کودک در این مرحله در شرایطی است که اگر مرتکب خطایی شود، خود را سرزنش می کند.

- بیداری تمیز و تشخیص که اساس آن در ۶

کودک که دوام و ثبات آن بیشتر است و در پیش اسلامی هم بیشتر مورد عنایت است.

اصل استفاده از فرصت

رسول خدا (ص) فرمود: مطمئناً در مسیر زندگی تان گاهی نسیمهای ملایمی می وزد، هشیار باشید و خود را در معرض آن نسیمها قرار دهید. در جریان رشد کودک هم این فرصتها به تناسب مراحل، به صورت بیداریها رخ می نمایند. مرتبی باید آنها را به عنوان سکوی پرش کودک قرار داده، او را به پیش برد. اگر این فرصتها از میان بروند معلوم نیست به سادگی قابل بازگشت باشند. نوع بیداریهایی که در

استفاده از همین اصل به تعلیم دین و روش زندگی پرداخت. او در نماز خواندن، وضو گرفتن، عمل حج و دیگر برنامه‌های زندگی و عبادی به همین گونه عمل فرمود.

در محیط خانه پدر و مادر باید اسوه و الگوی عمل برای کودک باشند. هماهنگی آنها در عبادت و در اجرای نماز مخصوصاً در حضور کودک باید مورد رعایت و عنایت باشد، به ویژه از آن بابت که کودک از آنها درس می‌گیرد. و به همین خاطر مسؤلیت والدین در این راه سنگین است. آنها لااقل به خاطر کودک آزاد نیستند به هر گونه‌ای که بنخواهند عمل کنند.

### در امکان پذیرش

در امکان واداشتن کودک به نماز این سؤال مطرح است که آیا برای چنان اقدامی امکان پذیرش وجود دارد؟ با آنکه پاسخ به این پرسش به دلیل عمل مشهود و برای ما مثبت است، باز هم اعلام می‌داریم که زمینه و امکان آن علماً و عملاً وجود دارد.

در جنبه امکان، دلایل زیر قابل ذکرند:

- تجارب روزمره ما و شما بهترین سند است و همه می‌دانیم که ما خود در سایه تربیت گذشتگان اهل نماز شده‌ایم و به نوبه خویش این ما بودیم که فرزندان خود را برای نماز پروراندیم.

علم روزه، به ویژه روان‌شناسی این امکان را تأیید می‌کند، و مسأله گفته بودیم که کودک موجودی تلقین‌پذیر، مقلد، همانندجو، انعطاف‌پذیر و فراگیر است، پس در هر سن و سطح و درجه‌ای از فهم که باشد می‌توانیم به تناسب، به او چیز بیاموزیم.

سالگی است و کودک به مبانی حسن و قبح عمل آگاه می‌گردد؛ ضمن اینکه دنیای متفاوت مرد و زن را هم در می‌یابد. بسیاری از مسائل مربوط به روابط علت و معلولی نیکی و بدی در این سن روشن می‌شود.

- بیداری احساس مذهبی که گفتیم در ۴ سالگی و حتی قبل از آن وجود دارد و تظاهرات آن در ۶ سالگی است. این بیداری در سنین نوجوانی در حد بسیار بالایی بروز می‌کند.

- بیداری جامعه‌پذیری که در آن کودک از حدود سه سالگی می‌خواهد خود را با ضوابط و مقررات جامعه تطبیق دهد. این حالت در سنین ۶ و ۷ تشدید می‌شود و خواست و توقعات اجتماعی (چشمداشت اجتماعی) در او مؤثر است.

- بیداری فرهنگ‌پذیری که در آن طفل از حدود ۴ سالگی می‌خواهد خود را با فرهنگ و معنویت جامعه و اطرافیان خویش تطابق دهد و این خود زمینه‌ارزنده‌ای برای قبول تعالیم مذهب است.

### اصل اسوه‌پذیری

کودک به دنیا می‌آید در حالی که نسبت به امور و مسائل حیات جاهل است. طرز عمل یا به کارگیری پدیده‌ها را نمی‌شناسد، اما چشمان او دریچه‌هایی به سوی دنیای خارجند. او آنچه را که از رفتار دیگران می‌بیند به مرحله اجرا و عمل می‌گذارد.

عمل و رفتار مادر و بعدها عمل پدر و اطرافیان برای کودک درس رفتار و عمل به حساب می‌آیند. کودک با الگوگیری از اسوه‌ها، طریق عمل را می‌آموزد. رسول خدا(ص) با